

## مجیدی، زیدان و گل آقا



محمد امین  
میرمندیان

در بازی فوتبال بعضی‌ها یک‌سری کارها را به نام خودشان می‌زنند. مثلاً اگر دور خودت چرخ بزنی و بازیکن مقابل را در بیل بزنی نمی‌گویند در بیل چرخشی. می‌گویند در بیل زیدانی چون زین‌الدین زیدان اولین بار همچنین حرکتی زده، شاید هم به تکامل رسانده؛ یا اگر به چپ نگاه کنی به راست پاس بدهی می‌شود پاس رونالدینیوی یا اگر بدون باخت جام ببری می‌شود قهرمانی فرهاد مجیدی ای (البته همچنین چیزی نمی‌گویند ولی نگارنده بابت عرقش به تیم استقلال اینجا ذکر می‌کند). ویژگی این افراد این است که در حرفه‌شان یک چیزی را مال خودشان کرده‌اند. تا فوتبال وجود دارد این حرکت مال آنهاست حتی اگر کسی بهترش را هم انجام دهد دیگر فرقی نمی‌کند قبلاً سند شش دانگ خورده رفته. حالا می‌خواهم همه این‌ها را ربطش بدهم به طنز. یک طنزنویس وقتی طنزی بنویسد که هم می‌خنداند، هم به‌روز است، هم دغدغه اجتماعی دارد و تاریخ انقضای کوتاهی ندارد، می‌گویند: فلانی تبریک می‌گوییم شما طنز گل آقایی نوشتید. این یکی ویژگی مهم گل آقا است. گل آقا یک نوع والایی از طنز را مال خودش کرده که تا طنز و طنزنویسی وجود دارد به نام خودش است.

طنز گل آقا جناح‌ها را کنار می‌زند، مصداقی و مستقیم وارد می‌شود، حمله می‌کند، نقص زمانه خود را می‌گوید و می‌خنداند. از همه مهم‌تر با گذشت زمان باز هم قابل درک است. هنوز هم می‌شود طنزهایی را که در مورد قیمت گوشت بود برداشت، مبلغش را به‌روز کرد، اسم مسئولان را عوض کرد و دوباره انتشار داد. خلاصه مثل طنزهای مطبوعاتی این دوره نیست که مثل شیر یارانه‌ای‌اند؛ امروز نخوری فردا باید بیندازی دور. تازه مزه آب هم می‌دهند. طنز گل آقا عسل است، خراب نمی‌شود. همان‌طور که خودش گفت «من مثل مار نیش نمی‌زنم، دلم می‌خواهد زنبور عسل باشم؛ نیش و نوش.»



### کتاب

«برداشتی از فرمان علی (ع)

به مالک اشتر»

نوشته کیومرث صابری فومنی

## دلم «گل آقا» می‌خواهد



محمد کوره‌پز

قلم را برداری و بنویسی. دومین ویژگی گل آقا هم این بود. آدم فقط خواننده‌اش نبود. یاد هم می‌گرفت. درست شوخی کردن را به مردم یاد می‌داد. حق داشتند که حضرت آقا بهشان بگویند «طنازها!».

حالا فکر نکنید همه شماره‌های گل آقای آن روزها را خوانده‌ام. نه، فشار زندگی در اوایل دهه هفتاد آن هم در شهرستان آنقدر روی خانواده‌ها زیاد بود که چندان به فکر خرید مجله نباشند. گرچه پدرم در دوره جوانی‌اش آدم اهل مطالعه‌ای بود و ما را هم همان‌طور بار آورد.

خواندن نقدهای گل آقا برای مردم شیرین بود. می‌دیدید یکی هست که دارد تناقضات و اشتباهات و ماله‌کشی‌ها را روی دایره می‌ریزد، اما نه با تند و زمختی. می‌گفتند کاریکاتوری که گل آقا از مرحوم حسن حبیبی (معاون رئیس جمهور) می‌کشید از خود ایشان هم خوش‌قیافه‌تر و تودل‌بروتر است. می‌دیدید بین سفیدنمایی مسئولان و سیاه‌نمایی رسانه‌های معاند، راه سومی هم هست. سومین ویژگی گل آقا.

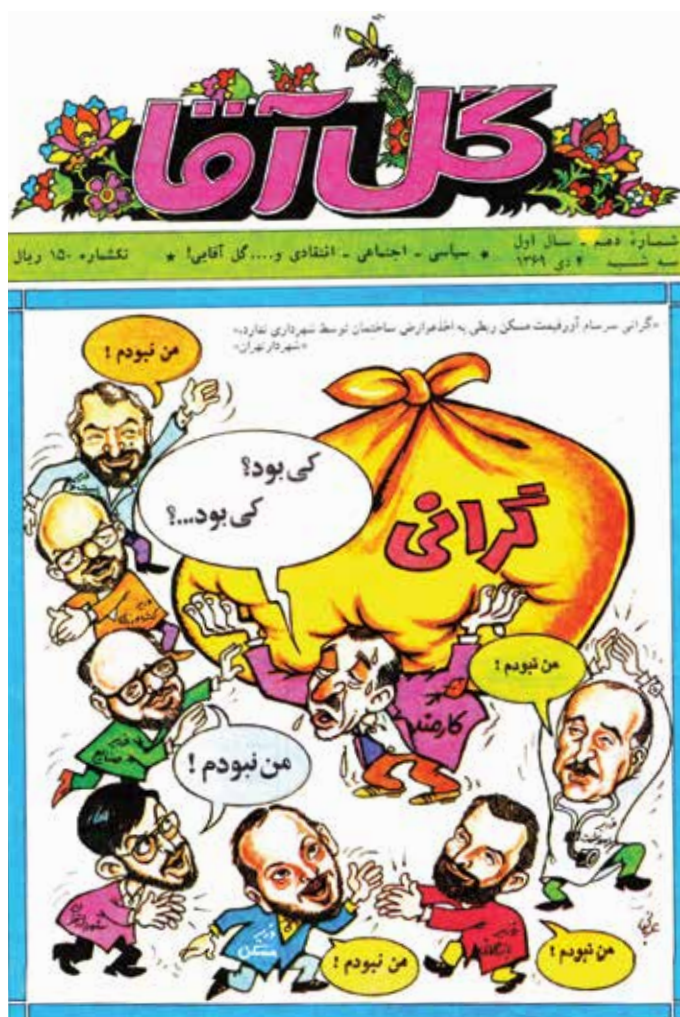
صادقانه بگویم. گاهی گرایش سیاسی مجله را نمی‌پسندیدم. در دوره‌ای که دولت و مجلس و شورای شهر در اختیار دوم‌خردادی‌ها بود، آنقدر که گل آقا جواد لاریجانی را سیل شوخی‌هایش می‌کرد هیچ‌چهره اصلاح‌طلبی را نقد نمی‌کرد. رفاقت کیومرث صابری و اغلب اهل فرهنگ با خاتمی البته مسبوق به سابقه بود و تعجبی نداشت. گرچه بعدها نقل قولی شنیدم که گل آقا از طرف بعضی رفقای دوم‌خردادی‌اش مدام مورد مطالبه بوده و حتی علت تعطیلی ناگهانی مجله در اوایل دهه هشتاد را هم همین توقعات می‌دانستند. نمی‌دانم چقدر صحت دارد. به هر حال به نظرم مرحوم صابری نمی‌خواست فضای داخل نشریه را ببندد. سعه صدر داشت برای همکاری با طنزپردازان. از سیدابراهیم نبوی تا سیدمهدی شجاعی.

در دوره طنزهای سخیف تلگرامی و فحش‌خندهای توییتری، در عصر کلیپ‌های ناهنجار اینستاگرام و گدایی لایک و کامنت، در روزگار مزه کردن پول زیر زبان هرکسی که با برهنگی و شوخی جنسی و سوار شدن روی غرایز مردم و شایعات دشمنان مردم فالور جذب کرده، دلم برای گل آقا و صفا و سادگی‌اش تنگ می‌شود. دوست دارم دوباره برگردم منزل عمه مرحومم و روی طاقچه دنبال آخرین شماره گل آقا بگردم.

هفته‌نامه‌اش را بار اول در منزل عمه بزرگم دیدم. بچه‌هایش همه دانشجو و تحصیلکرده بودند و مشتری گل آقا. من هم کلاس سوم ابتدایی بودم و هر وقت به آنجا می‌رفتم چشمم دنبال آخرین شماره بود که توی کدام طاقچه خانه

است. همین خودش اولین ویژگی گل آقا بود. همه طیف‌ها مخاطبش بودند. بزرگ و کوچک، موافق و مخالف.

آن اوایل و برای ماه‌ها، گل آقا بیشتر با کاریکاتورهایش جذابیت داشت. در دوره‌ای که هنوز مهم‌ترین تفریح بچه‌ها



کارتون‌های تلویزیون بود - مثل الان نبود که انیمیشن ریخته باشد کف اینترنت و فرصت کافی نداشته باشی برای دیدن‌شان - طرح‌های گل آقا تا مدت‌ها چشم و فکر ما را مشغول می‌کرد. هنوز ذهن امثال من برای دریافت لطایف طنزهای منثور و منظوم آماده نبود. اما کم‌کم راه افتادیم. طنز مکتوب و مصور را اولین بار با گل آقا یاد گرفتم. اولین قالب‌های شوخی از نثر قدیم تا ادبیات جدید، از شعر نو تا کهن. اوجش هم دو کلمه حرف حساب خود مرحوم صابری. کارشان جوری بود که دوست داشتی خودت هم